



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده علوم انسانی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
رشته روان شناسی گرایش عمومی

رابطه شیوه فرزند پروری والدین با میزان خشم و
سطح سازگاری نوجوانان

پژوهشگر:
طیبه دهقانی

استاد راهنما:
آقای دکتر رسول کاظم زاده طباطبایی

استاد مشاور:
آقای دکتر رسول روشن

خرداد 1389

اللَّهُ أَحْمَدُ

تقدیم به

مردم صبورو رنج دیده استان زرخیز خوزستان

تقدیر و تشکر

یارب ز ره راست نشانی خواهم از باده ی آب و خاک جانی خواهم

از نعمت خود چو بهره مندم کردی در شکر گزاریت زبانی خواهم

پس از حمد و سپاس از خداوند منان وظیفه ی خود می دانم که سپاس بی دریغ و خالصانه ی خود را تقدیم کنم به کسانی که به من آموختند آنچه را نمی دانستم. بیش از همه از "جناب آقای دکتر رسول کاظم زاده طباطبایی" به عنوان استاد راهنما که با قبول راهنمایی این پایان نامه شاگردیم را پذیرفتند و چگونه رفتن در پیچ و خم های راه را نشانم دادند.

و همچنین استاد بزرگوار "جناب آقای دکتر رسول روشن" که در دشواریهای مسیر به عنوان استاد مشاور با تجربیات ارزنده یاریم نمودند.

و اساتید محترم داور که در این زمینه قبول زحمت نموده اند صمیمانه تشکر و قدردانی می نمایم.

و همچنین همسر مهربانم که در تمامی مراحل انجام این پژوهش مرا یاری نموده تشکر می نمایم

و در نهایت از تمامی عزیزانی که مرا در این امر مهم یاری نمودند کمال امتنان را دارم.

چکیده

در این پژوهش هدف آن است که رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با خشم و سازگاری نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی دختر و پسر شهر اهواز تشکیل می‌دهند که در نواحی 4 گانه شهر اهواز در سال تحصیلی 89-1388 مشغول به تحصیل بوده‌اند. به عنوان حجم نمونه طبق اصول علمی و صحیح و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی، تعداد 380 نفر انتخاب شدند. با استفاده از سه پرسشنامه استاندارد و هنجاریابی شده شیوه فرزندپروری دایانا بامریند، پرسشنامه بروز خشم حالت - صفت اسپیلبرگر (STAXI-2) و سازگاری دانش‌آموزان دبیرستانی (AISS) داده‌های پژوهش جمع‌آوری گردید. نتایج پژوهش نشان داد: 1- با پیروی از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و سخت‌گیرانه، میزان خشم در نوجوانان کاهش می‌یابد. 2- با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان سازگاری در نوجوانان افزایش می‌یابد. 3- با پیروی از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و مقتدرانه، میزان خشم حالت در نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. 4- با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان خشم صفت در نوجوانان نیز افزایش می‌یابد. 5- با پیروی از شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، میزان ابراز خشم کاهش و با پیروی از شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه، میزان ابراز خشم نیز افزایش می‌یابد. 6- با پیروی از شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه، میزان کنترل خشم کاهش و با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان کنترل خشم نیز افزایش می‌یابد. 7- با پیروی از شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه، میزان سازگاری عاطفی کاهش و با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان سازگاری عاطفی نیز افزایش می‌یابد. 8- با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان سازگاری اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. 9- با پیروی از شیوه فرزندپروری سخت‌گیرانه، میزان سازگاری آموزشی کاهش و با پیروی از شیوه فرزندپروری مقتدرانه، میزان سازگاری آموزشی نیز افزایش می‌یابد.

کلمات کلیدی: شیوه‌های فرزندپروری، خشم، سازگاری، نوجوانان

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول

کلیات تحقیق

- 1-1 مقدمه 2
- 1-2 بیان مسأله 5
- 1-3 اهمیت و ضرورت تحقیق 13
- 1-4 اهداف تحقیق 16
- 1-5 فرضیه‌های تحقیق 17
- 1-6 تعریف مفاهیم نظری و متغیرهای عملیاتی 17

فصل دوم

ادبیات و پیشینه تحقیق

- مقدمه 24
- 2-1 شیوه‌های فرزندپروری 25
- 2-1-1 درآمدی بر خانواده و کودک 25
- 2-1-2 نقش خانواده بر کودکان 28
- 2-1-3 تأثیرپذیری کودک از خانواده 29
- 2-1-4 انواع خانواده ها 31
- 2-1-5 خانواده و شیوه‌های فرزندپروری 35
- 2-1-6 شیوه‌های فرزند پروری 36
- 2-1-7 روش فرزند پروری در اواسط دوران کودکی 53
- 2-1-8 راهبردهای والدگری برای کودکان 7 تا 12 سال 55
- 2-2-9 اهداف دراز مدت راهبردهای والدگری برای کودکان 7 تا 12 سال 56

58	1-10	2- پیشینه آموزش شیوه‌های فرزندپروری
59	1-11	2- تأثیر فعالیت‌های آموزشی در قلمرو والدین و کودکان
61	2-2	2- سازگاری
61	2-2-1	2- مفهوم سازگاری
65	2-2-2	2- عوامل مؤثر در سازگاری
65	2-2-3	2- متغیرهای مؤثر در سازگاری
66	2-2-4	2- روش‌های سازگاری
67	2-2-5	2- تحلیل سازگاری
67	2-2-6	2- رابطه شخصیت و سازگاری
68	2-2-7	2- خصوصیات انسان سازگار
71	2-2-8	2- فرایندهای بنیادی سازگاری
75	2-2-9	2- سازگاری اجتماعی
77	2-2-10	2- عوامل مؤثر بر سازگاری اجتماعی
79	1-11	2- اجتماعی شدن و سازگاری
80	1-12	2- سازگاری آموزشی
80	1-13	2- روابط با همسالان و سازگاری آموزشی
81	1-14	2- سازگاری عاطفی
83	1-15	2- نقش خانواده در سازگاری عاطفی نوجوانان
84	2-3	2- خشم
84	2-3-1	2- درآمدی بر خشم
87	2-3-2	2- خشم حالت و خشم صفت
88	2-3-3	2- بروز درونی و بیرونی خشم
89	2-3-4	2- کنترل درونی و بیرونی خشم
91	3-5	2- اساس فیزیولوژیک خشم
93	3-6	2- مقابله با خشم
95	2-3-7	2- عوامل به وجود آورنده خشم

97 2-3-8 خشم و پر خاشگری
99 2-3-9 خشم و بزهکاری
102 2-4 نوجوانی
102 2-4-1 مفهوم نوجوانی
103 2-4-2 مفهوم بلوغ
104 2-4-3 ابعاد بلوغ
105 2-4-4 آثار تغییرات بلوغ
108 2-4-5 خصائص نوجوانی
109 2-5 پیشینه تحقیق
109 2-5-1 تحقیقات انجام شده در ایران
114 2-5-2 تحقیقات انجام شده در خارج از کشور

فصل سوم

روش تحقیق

124 3-1 طرح تحقیق
124 3-2 جامعه آماری
124 3-3 نمونه و روش نمونه گیری
125 3-4 ابزار تحقیق
125 3-4-1 پرسشنامه بروز خشم حالت - صفت اسپیلبرگر (STAXI-2)
132 3-4-2 پرسشنامه سازگاری دانش آموزان دبیرستانی (AISS)
136 3-4-3 پرسشنامه شیوه های فرزندپروری
138 3-5 شیوه جمع آوری اطلاعات
139 3-6 روش تجزیه و تحلیل داده ها

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل داده‌ها

- 142-1-4 اطلاعات جمعیت شناختی و متغیرهای توصیفی.....
- 146-2-4 توصیف متغیرهای پژوهش.....
- 153-3-4 تجزیه و تحلیل داده‌ها در راستای فرضیه‌های پژوهش.....

فصل پنجم

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

- 168-1-5 بحث براساس فرضیه‌های پژوهش.....
- 181-2-5 بحث و نتیجه‌گیری کلی.....
- 182-3-5 محدودیت‌ها.....
- 183-4-5 پیشنهادها.....
- 184..... منابع
- 193..... چکیده لاتین
- 194..... پیوست

فصل اول

(کلیات تحقیق)

1-1 مقدمه

1-2 بیان مسأله

1-3 اهمیت و ضرورت تحقیق

1-4 اهداف تحقیق

1-5 فرضیه‌های تحقیق

1-6 متغیرهای تحقیق

1-1 مقدمه

تولید مثل فرآیندی بی بدیل و بنیادین است که حیات گونه‌ها به آن وابسته است. در مجموع حیات، هدف اصلی بسیاری از رفتارهاست، اما در صورتی که فرزندان حاصل از تولید مثل قادر به ادامه حیات نباشند، تولید مثل بی‌فایده خواهد بود که در این میان نقش اساسی تداوم حیات بر عهده والدین است تا با بکارگیری شیوه‌های صحیح فرزند پروری تداوم حیات را تضمین کنند (پاتز¹ و شورت²، 1999).

فرزند پروری بطور فزاینده‌ای در بافت‌های فرهنگی، شهری، اقتصادی و مذهبی سازماندهی شد و با توجه به آسیب‌پذیر بودن کودکان، احتمالاً دوران کودکی به‌عنوان یک دوره مشخص از زندگی برای فرزندپروری دارای اهمیت خاصی است (هی وود³ و همکاران، 2001).

فروید⁴ (1916) روی نقش محوری و اولیه فرزندپروری برای کودک اهمیت بسیار زیادی قایل بوده است. با وجود آنکه شواهد وی بر اساس مهارت بالینی و تک بالینی بوده است، با این حال پژوهش‌های انجام شده در زمینه‌ی فرزندپروری و تأثیر آن بر کودکان بطور عمده از ربع قرن بیستم شروع شده است. بالبی⁵ (1951) نیز منشأ بسیاری از اختلالات دوران کودکی را اختلال میان ارتباط و عشق والد - کودک و پیامدهای آن می‌داند، تمرکز او روی پیچیدگی‌های تعامل والد - کودک و دل‌بستگی، متعاقب آن منجر به پدیدار شدن حوزه وسیعی از نیاز به فرآیندهای فرزندپروری و پیامدهای آن گردید (هی وود و همکاران، 2001).

¹ - Potts, M.

² - Short, R.

³ - Heywood, et. al

⁴ - Freud, z

⁵ - Bowlby, j

از پیامدهای مطرح شده، می‌توان به خشم کودکان و بخصوص نوجوانان اشاره کرد. خشم و پرخاشگری هیجان‌های جهانشمولی هستند که در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شوند و یکی از شایع‌ترین مشکلات رفتاری هستند که موجب ناراحتی و پریشانی دیگران می‌شوند و بهداشت روانی جامعه را مختل می‌کند (نمازی، 1377).

خشم از هیجان‌ات شایع است و به‌عنوان یک مسأله بالینی با پیامدهای منفی بسیاری مانند رفتار پرخاشگرانه، خشونت خانوادگی، سوء مصرف مواد و مسائل جسمانی همراه است (دیسگوسپ¹، 2003).

مسأله خشم کودکان و نوجوانان، از دیر باز مورد توجه اندیشمندان جوامع بشری بوده است و همگام با توسعه صنعتی، گسترش نیازها و محرومیت ناشی از عدم امکان برآورده شدن آنها، موجب شده است تا رفتارهای انحرافی در بین کودکان و نوجوانان افزایش یابد. مشکلات و معضلاتی چون بلاتکلیفی، اعتیاد، قاچاق، دزدی و رفتارهای خشونت‌آمیز، از مهم‌ترین مسائلی هستند که در کشور ما نیز مطرح می‌باشند و آثار آن به وضوح در جامعه هویدا است (احدی و محسنی، 1374).

در راستای تلاش‌های صورت گرفته برای شناخت عوامل بروز خشم، دانشمندان رشته‌های مختلف دریافته‌اند که بزهکاری عمدتاً یک مسأله اجتماعی است که از ابعاد زیستی، روانی و خانوادگی و بخصوص شیوه‌های فرزندپروری نیز برخوردار است، هر چند نگاهی گذرا به تاریخچه مطالعات نشان می‌دهد، افرادی که آگاهی چندانی از

¹ - Disgousp. B

شخصیت اجتماعی انسان نداشته‌اند، علل خشم را اغلب به تفاوت‌های بدنی، جغرافیایی و سرشت نسبت می‌دهند (احدی و محسنی، 1374).

با ورود رشته روان‌شناسی به حیطه‌ی مطالعات در زمینه نوجوانان، پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان داد که متغیرهای هیجانی از مؤلفه‌های بسیار مهم روان‌شناختی هستند که می‌توانند با شیوه‌های فرزندپروری در ارتباط باشند. به عنوان مثال یکی از یافته‌های بسیار جالبی که در مطالعات روان‌شناختی خشم حاصل شد، این موضوع بود، افرادی که از مشکلات عاطفی چون اضطراب و افسردگی ناشی از شیوه‌های فرزندپروری رنج می‌برند، بیشتر احتمال دارد مرتکب رفتارهای توأم با خشم شوند (افتخاری، 1380).

یکی دیگر از متغیرهای روان‌شناختی که در مطالعات شیوه‌های فرزندپروری بسیار از آن استفاده شده، سازگاری می‌باشد. در این میان مسائل و مشکلات سازگاری در بین نسل جوان و نوجوان از ویژگی خاصی برخوردار است. نوجوانی محدوده‌ای است بین دنیای کودکی و عالم بزرگسالی. از بعد اجتماعی در این دوره فرد دچار دگرگونی می‌شود. نوجوان از یک سو در حال گسیختن پیوندهای خود با دنیای کودکی است و از سوی دیگر شیفته‌ی دستیابی به استقلال جوانی و بزرگسالی می‌باشد که در نتیجه گذر صحیح و درست از این دوران بحرانی نوجوانی است که فرد به یک سازگاری عاطفی و اجتماعی معقول می‌رسد و شخصیتی رشدیافته و سالم در وی شکل می‌گیرد و در واقع این بحران با رسیدن به سازگاری عاطفی و اجتماعی پایان می‌پذیرد. سازگاری یک مفهوم عام است و به همه راهبردهایی که فرد برای اداره کردن موقعیت‌های تنیدگی زای زندگی، اعم از تهدیدهای واقعی یا غیرواقعی به کار می‌برد، گفته می‌شود. سازگاری

دو کنش اصلی دارد: هنگامی که با یک مشکل مقابله می‌شود، سازگاری مسأله محور و هنگامی که در راستای آرام‌سازی حالت‌های هیجانی تلاش می‌شود، سازگاری هیجان محور، نام می‌گیرد. (سادوک و سادوک، 2003 به نقل از رحیم‌نیا و رسولیان، 1383).

به عقیده‌ی آدلر، رفتار انسان تا حدود زیادی زاییده‌ی نگرش‌ها و تفکر انسان است و فرد براساس تعبیر و تفسیری که از خویش‌تن دارد خود را با دنیای خارج مرتبط می‌کند. از آنجا که کودکان و نوجوانان، از سرمایه‌های ارزشمند مادی و معنوی هر جامعه به حساب می‌آیند و نیازمند حمایت آموزش و پرورش صحیح هستند و شیوه‌های فرزندپروری از متغیرهای دیگری چون خشم و سازگاری طبق عقیده نظریه‌پردازان و تحقیقات تاثیر می‌گیرند، از این رو، در تحقیق حاضر به رابطه‌ی شیوه‌های فرزندپروری والدین با میزان خشم و سطح سازگاری نوجوانان دبیرستانی شهر اهواز پرداخته شده است.

1-2 بیان مسأله

ابهامات گوناگونی پیرامون رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدین با میزان خشم و سطح سازگاری نوجوانان دبیرستانی وجود دارد. به عبارتی دیگر، پژوهش‌ها حاکی از آن است که چگونگی رفتار و شیوه تربیتی والدین، تأثیر مستقیم بر روی کودک و حالات هیجانی و رفتارهای آینده او دارد، همچنین بسیاری از متخصصان کودک معتقدند که شیوه‌های فرزندپروری والدین،

سلامت روان کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. (حقوقی و لانگ¹، 2004).

در این میان، خشم کودکان یکی از شایع‌ترین اختلالاتی است که مرتبط با مشکلات موجود در حوزه‌های مختلف روانشناسی تربیتی می‌باشد. مدت‌هاست که ارتباط‌های محکمی بین سلامت روان کودکان با شیوه فرزندپروری مشکل‌دار مشاهده شده است. به‌عنوان مثال، وقتی والدین بسیار سرزنش‌گر و فاقد حمایت‌کنندگی لازم باشند، کودکان آنها بیشتر به اختلالات افسردگی و اضطرابی دچار می‌شوند؛ در صورتی که چنانچه والدین از شیوه فرزندپروری سهل‌گیر استفاده کنند، فرزندان آنها میزان خشم بالاتری را نشان خواهند داد (گاربر²، بروفلادت³ و ویس⁴، 1995).

در این راستا هیبیتی (1381)، مطرح نموده است، شیوه‌های فرزندپروری والدین روی سبک‌های مقابله‌ای فرزندان تأثیر معنی‌دار دارد، بطوریکه فرزندان والدین مقتدر در شرایط تنیدگی‌زا بیشتر از سبک هیجان‌مدار استفاده می‌کنند. اما کودکان دارای والدین سختگیر بیشتر دمدمی مزاج شده و کودکان دارای والدین سهل‌گیر، تکانشی و پرخاشگرند و فاقد خویشتن‌داری و احساس استقلال هستند (شافر⁵، 1996).

همچنین، پژوهش‌های متعدد نشان دادند رابطه والد - کودک و تحول عاطفی رفتاری کودک تحت تأثیر مستقیم شیوه‌های فرزندپروری والدین است (استورا، 1991، به نقل از دادستان، 1386).

بطوری که تعامل ضعیف و آشفته والد - کودک منجر به افزایش تنیدگی والد شده و تنیدگی والدینی بالا نیز منجر به ضعف تعامل والد - کودک می‌شود. بنابراین، تنیدگی والدین

¹ - Hoghghi, M. & Long, N

² - Garber, J

³ - Broafladt, N

⁴ - Weiss, B

⁵ - Shaffer, D.R.

باعث رفتار فرزندپروری منفی (هرج و مرج) و نارسا کنش‌وری می‌شود (است برگ¹ و هاگی کول²، 2000).

نارد³ و همکاران (2000) معتقدند که فشارهای مزمن حاصل از فرزندپروری، استیصال⁴ روانی مادر را پیش‌بینی می‌کند و بین این فشارها و سطوح بدنی و روانی مادر همبستگی مثبت وجود دارد.

رودگرز⁵ (1998) نیز معتقد است که تأثیر منفی شیوه‌های فرزندپروری والدین بر رفتارهای کودکان و نوجوانان پدیده‌ای غیرقابل انکار است.

از آنجا که رفتار کودک در خلال سه سال نخستین زندگی به صورت گسترده‌ای تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری والدین قرار دارد، بنابراین روشی که بتوان بر اساس آن چگونگی رفتار کودک را مشخص نمود، بخش مهمی از برنامه‌های پیشگیری از خشم و سلامت روانی کودکان است (استورا، 1991، به نقل از دادستان 1386).

در این راستا فورن‌هایم⁶ و چنگ⁷ (2004) نیز معتقدند که شیوه‌های فرزند پروری صحیح باعث ایجاد نتایج مثبت در کودکان نظیر افزایش سطح سازگاری کودکان، شده مسئولیت پذیری و انگیزش برای دست‌یابی به هدف و دوست‌یابی نیز در آنها افزایش می‌یابد می‌گردد (آجیل‌چی، 1388).

داعی‌پور (1378)، در بررسی سبک‌های سازگاری نوجوانان مدارس تهران با استفاده از

¹ - Ostberg, M.

² - hagekull, B.

³ - Naerd, A.

⁴ - distress

⁵ - Rodgers, A. Y.

⁶ - Furnham, A.

⁷ - Chang, H.

ACS نشان داد که پسران سبک سازگاری کارآمد و دختران سبک سازگاری ناکارآمد را بیشتر به کار می‌برند، دختران با افزایش سن، از سبک سازگاری ناکارآمد استفاده بیشتری می‌کنند و پسران با افزایش سن از راهبردهای نگرانی و حل مشکل بیشتر و از راهبردهای اقدام اجتماعی، عدم سازگاری و حمایت معنوی کمتر استفاده می‌نمایند.

عدم سازگاری، باعث ایجاد آسیب پذیری و بروز بیماری‌های روانی می‌گردد (باردون¹، وهس²، آبرامسون³، هترتون⁴ و جونیر⁵، 2000؛ رابرتز⁶ و مونر⁷، 1994).

با توجه به اهمیت سازگاری در نوجوانان که یکی از هسته‌ای‌ترین مؤلفه‌های روان‌شناختی در سلامت روانی و عملکرد نوجوانان است، تحقیق حاضر بر آن است تا تأثیر مهارت‌های فرزندپروری را در چگونگی سطوح سازگاری نوجوانان مورد ارزیابی قرار دهد. شیوه فرزندپروری والدین یکی از سازه‌های جهانی است که بیانگر روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید. پژوهش‌های مربوط به ارتباط والدین با کودک که نگرش‌ها و اعمال والدین را در فرآیند فرزندپروری مورد بررسی قرار داده‌اند. فعالیت در این حیطه قویاً تحت تأثیر کارهای بامریند (22-24) قرار دارد که به‌طور کلی سه الگوی حاکم بر روابط بین والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل‌گیر و مستبد.

والدین قاطع به صورت گرم و صمیمی توصیف شده‌اند در عین حال که بر آنچه که

¹ - bardone, A.M.

² -vohs,K.D.

³ - Abramson, L.Y

⁴ - heatherton, T.F.

⁵ - Joiner,t.E

⁶ - Roberts, M

⁷ - Monroe, B

کودکانشان انجام می‌دهند کنترل دارند. آن‌ها برای خواسته‌هایی که از فرزندان خود دارند، از دلایل و توضیحات منطقی استفاده می‌کنند. این والدین تلاش دارند که به فرزندان خود گوشزد نمایند که رفتار آن‌ها چه تأثیری بر دیگران می‌گذارد.

والدین سهل‌گیر به صورت والدینی توصیف شده‌اند که سعی دارند برای کودکان خود، محیطی گرم، آرام و پذیرا به وجود آورند. خواسته‌های اندکی از فرزندان خود دارند و بر آنچه آن‌ها انجام می‌دهند کنترل و نظارت ندارند. این والدین به فرزندان خود آزادی بیش از حد می‌دهند و خطای آن‌ها را نادیده می‌گیرند.

والدین مستبد فاقد گرمی و صمیمیت در روابط خود با فرزندان هستند، انتظار دارند که فرزندان، خواسته‌ها و تقاضاهای آن‌ها را بدون بحث و بی‌چون و چرا برآورده کنند. در این خانواده‌ها به کودکان اجازه ابراز عقیده داده نمی‌شود و فرصت کمی برای تفکر درباره موقعیت‌ها یا به کارگیری استدلال وجود دارد (یوسفی، 1386).

پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با سازگاری نشان داده است که نقش شیوه‌های فرزندپروری در سازگاری نوجوانان بسیار حساس است، همین مسأله باعث شد تا در برهه‌ای از زمان‌ها نقش سایر متغیرهای دخیل در سازگاری نادیده گرفته شود. ولی کنکاش و پژوهش بیشتر در این زمینه نشان داد که تنها نمی‌توان با استفاده از مطالعات جامعه‌شناختی، عوامل به وجود آورنده سازگاری را تبیین کرد و تنها با کنترل متغیرهای اجتماعی، رفتارهای انحرافی نوجوانان را کاهش داد. این بینش باعث شد تا

اهمیت مطالعات روانشناختی سلامت بیشتر از پیش معلوم شود (رومرو^۱ و همکاران، 2001).

اما علی رغم وجود پژوهش‌های بسیار اندک در ارتباط با خشم و سازگاری، اخیراً تحقیقاتی صورت گرفته که نشان می‌دهد خشم از جمله مؤلفه‌های هیجانی است که می‌تواند در تحقیقات روانشناختی مورد استفاده قرار گیرد، مثلاً پژوهش کوراپچی اغلو^۲ و اردوغان^۳ (2004) نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری باخشم رابطه دارد؛ بدین ترتیب که والدین با شیوه فرزندپروری مستبدانه، دارای فرزندان با خشونت بیشتری هستند و در بسیاری از مؤلفه‌های خشم نمرات بالاتری کسب می‌کنند (رومرو و همکاران، 2001).

از طرفی مطالعه بور^۴ و همکاران (2001) در استرالیا نشان داد که پرخاشگری در 5 سالگی یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های بزهکاری در دوره نوجوانی است. این یافته زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که رابطه آن با شیوه‌های فرزندپروری مدنظر قرار گیرد (بریکویتز^۵، 1993، به نقل از کراهه، 2001)، او معتقد است آن چیزی که بلافاصله قبل از پرخاشگری رخ می‌دهد، هیجان منفی خشم می‌باشد (آرام، 1381).

یکی از عمده‌ترین عوامل ایجادکننده مسائل و مشکلات جسمانی، روانی و رفتاری، فشارهای روانی یا تنیدگی می‌باشد. مهاجرت، بیکاری و طلاق و همین‌طور کاهش پیوندهای سالم انسانی موجب ایجاد جوی شده است که استرس در آن موج

^۱. Romero, E
^۲. Corapcioglu, D
^۳. Erdogan, E
^۴. Bor, A
^۵. Brekowitz, H

می‌زند. تنیدگی ناشی از عوامل یاد شده به صورت مستقیم یا غیرمستقیم، همه افراد جامعه را تهدید می‌کند (داوودی، 1378).

(مرتون¹، 1968، به نقل از کاواچی² و همکاران، 1999) معتقد است فشارهای ناشی از عوامل خانوادگی، یکی از عوامل اصلی خشم در نوجوانان می‌باشد. ولی مردم در برابر تنیدگی، به روش‌ها یا شیوه‌هایی متوسل می‌شوند تا آثار زیانبار آن را کاهش دهند، این روشها می‌توانند بهنجار یا نابهنجار باشند (ریو، 1992، به نقل از سید محمدی، 1377).

عده‌ای از اندیشمندان بر این باورند که برخی از افراد برای کاهش آثار استرس، اقدام به خشم می‌کنند و این عمل را به عنوان روشی برای مقابله با استرس برمی‌گزینند (گومز³، 1998). یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته نیز نشان می‌دهد که بزهکاران اغلب در مواجهه با شرایط استرس‌زا از سبکهای مقابله نامناسبی چون سبک مقابله هیجان‌مداری⁴ و اجتنابی⁵ استفاده می‌کنند (هاین⁶ و مایل⁷، 2003)

در تحقیقی که توسط کرک و گروت‌پیتر⁸ (1995)، پیرامون ارتباط بین پرخاشگری، جنسیت و سازگاری روانی - اجتماعی صورت گرفته، مشخص شده است که ارتباط مثبت معنی‌داری بین جنسیت با پرخاشگری وجود دارد و در این راستا پسران از میانگین بالاتری برخوردارند (داوودی، 1378).

¹. Merton,
². Capowich, A
³. Gomez, E
⁴. Emotional Oriented
⁵. Avoidance Oriented
⁶. Hien, E
⁷. Miele, F
⁸- Crick and Grotppeter